۲۹۱ - ای موقنان ای مقبلان

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۲۹۱ - ای موقنان ای مقبلان

ای موقنان ای مقبلان، نامه شما ملاحظه گشت و بر حال حزين غمگين شديم ولی اميد بفضل جمال قديم چنانست که اين شدّت به رخا تبديل شود و اين عسرت به راحت و مسرّت بی منتهی. اگر چه در اين جهان راحت و مسرّتی نه و آسايش و فراغتی نيست، اگر بود اوليای الهی جستجو مينمودند و راحت جان و مسّرت وجدان می طلبيدند ولی چون دانستند و به حقيقت پی بردند بکلّی بيزار شدند و از هر قيد آزاد گشتند جميع حالات يکسان شد و هر مشکلی آسان گشت.

طفل درسنّ صباوت سنگ و کلوخ و بازيچه کودکان را مهمّ شمرد و از فقدانش بنالد و چون به بلوغ رسد از آن انديشه فراغت يابد و وجود و عدمش را مساوی شمارد. و همچنين اوليای الهی چون به بلوغ روحانی رسند جميع شئون اين جهان بی شکون را اضغاث احلام شمرند و نتائج اوهام بينند. لهذا شما از هيچ حالتی کدورت و مسرّت ننمائيد ولی اميد به خداوند مهربان چنانست که عون و عنايت در اين عالم نيز حاصل گردد و عليکم التّحيّة و الثّناء.

